



چه خوش سروده است فردوسی در وصف نوروز....

نشسته بر او شاه فرمانروا
گشگفتی فرومانده از بخت او
مران روز را روز نو خوانند
بر آسوده از رنج روی زمین
می و جام و را مشکرا ن خواستند
به ماماند از آن خسروان یادگار

چو خورشید تابان میان هوا
جهان ابحمن شد بر آن تخت او
به جمشید بر کوهر افشانند
سر سال نو هر مز فرودین
بزرگان به شادی ییاد استند
چنین جشن فرخ از آن روزگار